

فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

مبانی فقهی پیشگیری کیفری از شهادت زور و تطبیق با قوانین حکومت ایران و مصر

سید محمد ابراهیمی^۱؛ محمد رسول آهنگران^۲؛ سید ابوالقاسم نقیبه^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۸

چکیده

شهادت از ادله اثبات دعوی است که اگر در اثر تزویر آسیب ببیند، موجبات ناحق کردن حقوق واقعی افراد را فراهم ساخته و نتیجه نهایی آن بی نظمی اجتماعی و قانون گریزی و بی عدالتی خواهد بود. از این رو ضرورت برخورد با آن از سوی حکومتها و دولت ها آشکار می شود زیرا تامین امنیت از وظایف حاکمان و دولت ها است. از آنجا که پیشگیری از جرم در دو حوزه پیشینی (کنشی) و پسینی (واکنشی و کیفری) صورت می گیرد لذا در صورت عدم حصول نتایج لازم از اقدامات کنشی، نوبت به برخورد سرکوبگر و اقدام واکنشی کیفری می رسد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی در صدد تبیین و تطبیق اقدامات پیشگیرانه واکنشی و کیفری از وقوع شهادت زور از منظر فقه امامیه و قوانین و مقررات حکومت های ایران و مصر برآمده و از آنجا که پیشگیری واکنشی شامل تهدید به مجازات و اجرای مجازات است این نتایج حاصل گردیده: در بخش اجرای کیفر، مجازات تشهیر به عنوان مهم ترین شاخصه فقه امامیه در پیشگیری کیفری از این جرم و خلاء آن در حقوق دولت های ایران و مصر از نقاط ضعف این دو سیستم حقوقی محسوب شده و در بخش تهدید به مجازات، طبقه بندی جرائم و مجازات متناسب با آن و تعیین مواد متعدد در قانون عقوبات مصر، از نقاط قوت پیشگیری حقوق مصر نتیجه گیری شده است.

کلید واژه ها: شهادت زور، دولت ها، پیشگیری، مجازات، تشهیر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی و احدعلوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ استاد گروه فقه و مبانی حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)

ahangaran@ut.ac.ir

^۳ دانشیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه شهید مطهری، تهران

مقدمه

از مهم ترین و اساسی ترین ابزارها و ملاک های اثبات دعوی در فقه و حقوق ایران و مصر شهادت شهود می باشد و در قرآن در موارد متعددی به این مهم اشاره شده است: اثنان ذوا عدل منکم (۱۰۶، مائده) و اشهدوا ذوی عدل منکم (۲، طلاق) و استشهدوا شهیدین من رجالکم (۲۸۲، بقره) و نیز در حقوق ایران و مصر به عنوان دلیل اثبات مورد توجه واقع شده است در حقوق ایران مواد (۴۰۶ تا ۴۲۶) قانون مدنی و مواد (۱۷۴ تا ۲۰۰) قانون مجازات اسلامی و در حقوق مصر طی مواد (۶۰ تا ۱۰۲) قانون اثبات مواد مدنی و تجاری و مواد (۲۷۷ تا ۲۹۴ و ماده ۳۸۱) قانون الاجراءات جزایی مصر و بحث شهادت زور در قانون عقوبات در باب ششم طی مواد (۲۹۴ تا ۳۰۰) مورد تصریح قرار گرفته است.

اما آنچه در این مهم، مورد توجه و مذاقه است اینکه آیا هر شهادتی می تواند مفید فایده باشد و قاضی را به عدالت قضایی رهنمون نماید؟ در پاسخ باید گفت اگر چه شهادت ابزاری لازم و ضروری برای اثبات جرم است ولی اگر این عامل آسیب شناسی نشود و بدون هیچ ملاحظه ای مبادرت به استفاده از شاهد گردد، نه تنها نتایج مثبت نخواهد داشت بلکه باعث بروز سوء استفاده های متعدد و مختلف خواهد گردید به طوری که از قبل این شهادت بارگاهی برای سوداگری و طمع ورزی وضع می شود، و ضمن تولید شهادت دروغ که در فقه به عنوان گناه کبیره و در حقوق به عنوان جرم مطلق، جرم انگاری می شود، جریان دادرسی را با اختلال و مخاطره مواجه می سازد و علاوه بر آسیب فردی، اختلال در امنیت جامعه را موجب خواهد شد، لذا بایسته است که با توجه به اهمیت این موضوع در نظام قضایی و در راستای تامین امنیت که از وظایف اصلی دولتها محسوب می شود، اقداماتی را جهت پیشگیری از آن، شناسایی نمود. شایان ذکر است که پیشگیری از جرم، دارای دو حوزه می باشد حوزه اقدامات پیشینی یا کنشی که شامل پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی است و حوزه اقدامات پسینی یعنی وقتی اقدامات کنشی در حوزه پیشینی نتوانند از وقوع جرم جلوگیری کنند نوبت به استفاده از مجازات ها و اقدامات واکنشی در حوزه پسینی می رسد، در این حوزه و در فقه، شهادت زور به عنوان گناه کبیره جرم انگاری شده که آیات و روایات متعددی مستند آن می باشد، و مهم ترین مجازات یعنی تشهیر که از مختصات فقه می باشد، برای مرتکب آن و به منظور عدم تکرار جرم و عبرت پذیری افراد جامعه وضع گردیده است. در قوانین موضوعه ایران نیز می توان به مجازاتهای تعزیری زندان یا جزای نقدی (ماده ۶۵۰ ق.م.ا. و حدود و دیات و قصاص (تبصره ماده ۶۵۰ ق.م.ا.) و در حقوق مصر به مجازات اعدام (ماده ۲۹۵ قانون عقوبات) یا زندان (ماده ۲۹۴ قانون عقوبات) اشاره نمود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- پیشگیری

پیشگیری دارای اشکال مختلف است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۲۹ تا ۱۴۹). بی تردید یکی از منابع عمده نا امنی در جوامع بشری آن دسته از رفتارهایی است که در قوانین کیفری در قالب فعل یا ترک فعل جرم انگاری شده اند. بزهکاری یا همان مجموعه جرائم ارتكابی در زمان معین در واقع انسجام اجتماعی و بنابراین بقای نظم عمومی را در معرض خطر فروپاشی قرار می دهد. از این رو دولتها از دیرباز و پیش از هر چیز با توسل به نهاد های قهرآمیز (پلیس و دادگستری) و واکنش سرکوبگر (مجازات) در مقام مبارزه با جرائم بر می آیند. (نجفی ابرند آبادی ۱۳۷۸ش، ۵۶۰) اگر در امتداد اقدامهای اجتماعی- وضعی پیشگیرانه، پاسخهای کیفری در نظر گرفته نشوند بی تردید کارایی این اقدامات محدود خواهد بود زیرا در آن صورت جامعه در هنگام شکست کامل یا نسبی پاسخهای پیشگیرانه غیر کیفری (کنشی- پیشینی) دیگر برای دفاع از اعضا و نیز حفظ بقای خود سلاح قهرآمیز و کیفری (پاسخهای واکنشی- پسینی) در اختیار نخواهد داشت (گسن، ۲۰۰۳، ج ۲، ص ۸۷۲) در نظام حقوق اسلامی، برای پیشگیری از جرم و گناه تدابیر خاصی اندیشیده شده است و شارع مقدس برای اجرای آنها، راه های مختلفی را مقرر داشته است (ولیدی، ۱۳۸۴ش، ص ۴). پیشگیری اقدامات و تدابیری است که باعث ممانعت و جلوگیری و احتراز از ارتکاب یا کاهش و محدود سازی تحقق آن می گردد. پیشگیری کیفری شامل دو قسمت تهدید به مجازات و اجرای مجازات می باشد و در کشورهایی که قوانین مصرح و سخت گیرانه در باره ارتکاب جرم وجود داشته باشد اولین قسمت از پیشگیری واکنشی کیفری یعنی تهدید به مجازات، تحقق می یابد و اجرای به موقع مجازات نیز می تواند تکمیل کننده این نوع پیشگیری تلقی گردد.

۱-۱- مهم ترین راه های پیشگیری از جرم

الف- مجازات های تامینی و تربیتی - در این روش از گذشته مجرم چشم پوشی می شود و به آینده او توجه می گردد. قائلین به این روش اعتقاد دارند که دفاع از جامعه جز از راه دفاع از افراد آن ممکن نیست لذا دفاع واقعی از اجتماع تنها در سایه اصلاح مجرمان و یافتن راههایی جهت ورود مجدد مجرم به جامعه غیر بزهکار، و برداشتن زمینه های بزهکاری میسر می شود **ب- پیشگیری و مواجهه با حالت خطرناک** - دفاع از جامعه از طریق: یک- باز پروری اجتماعی و اصلاح مجرم. دو- بی اثر و خنثی کردن مجرمین خطرناک **ج- پیشگیری از طریق اتخاذ راههای مختلف مجازات:** راههای پیشگیری از بروز جرم توسط مجازات: ۱- تحریک و برانگیختن فکر مجرم و دیگران در پی اجرای مجازات. ۲- اجرای فوری مجازات ۳- سلب آزادی بدون ذکر مدت ۴ - توام کردن سلب آزادی با مجازات های دیگر ۵- مخالفت شدید با حبس کوتاه مدت و ارفاق های بی مورد ۶ - علنی کردن مجازات ۷- توسعه اختیارات قاضی در اتخاذ شیوه های مختلف و نو و عدم محدود سازی قاضی به جرائم همیشگی و ثابت. ۸ - حتمی کردن مجازات.

۲- مجازات

وقتی رویکردهای پیشینی نتوانند نسبت به احتراز از بزه و جرم، کافی باشند نوبت به استفاده از اقدامات پسینی یعنی برخورد قهری با مجرمان و به عبارتی پیشگیری عادلانه کیفری می گردد تا در سایه آن هم مجرم از تکرار جرم دست بردارد و هم عبرتی باشد برای سایر مردم که به این نوع جرائم نپردازند. شهید مطهری در همین رابطه می گوید تربیت و ایجاد دارالتادیب بی تردید لازم و ضروری است و تربیت صحیح، مسلم است که از میزان جرائم می کاهد ولی هیچیک از اینها جای دیگری را نمی گیرد نه تربیت و نظامات عادلانه جانشین کیفر و مجازات می شود و نه کیفر و مجازات جانشین تربیت صحیح و نظام اجتماعی سالم (شهید مطهری ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۲۲۶). شارع مقدس نیز برای حفظ نظام بشری، به مجازات به عنوان یکی از راهکارها و رویکردها، توجه نموده و علاوه بر

مجازات اخروی برای فرد بزهکار، مجازات دنیوی نیز تعیین نموده است که در این راستا برای شهادت زور نیز جرم انگاری کرده و مجازات تعیین نموده است. هر قدر که جوامع بزرگتر، مدرن تر، پیچیده تر و متنوع تر می گردند از حقوق کیفری به عنوان مکانیزم مهم کنترل استفاده می گردد (شیکر، ۱۳۹۳ش، ۱).

۱-۲- اهداف مجازات

۱-۱-۲- **اهداف مجازات در مکاتب کیفری:** آنچه مجرمین انجام می دهند می تواند منجر به ۱- حرمت شکنی، ۲- دستیابی به خواسته های نامشروع و غیر قانونی ۳- محرومیت دیگران از حق قانونی و مشروع خود ۴- جریحه دار شدن عواطف و احساسات بزه دیده و بستگان آنها و سایر افراد جامعه ۵- از بین رفتن احساس امنیت و آسایش اجتماعی و در نهایت از بین رفتن عدالت فردی و اجتماعی شود، لذا نظام های مختلف حقوقی و نیز نظام حقوقی اسلام در صدد چاره جویی برای این معضل برآمده و به فراخور دکترین خود اهدافی را برای مجازات تعیین نموده که می توان به تشفی و انتقام در مکتب انتقام خصوصی، اجرای عدالت در مکتب کلاسیک، باز پروری و درمان در مکتب نئوکلاسیک اشاره کرد ولی پیشگیری از جرم را می توان بهترین هدف مجازات عنوان نمود. اهداف مجازات را می توان به عینی یعنی اصلاح و تربیت مجرم و هدف ذهنی یعنی ایجاد عدالت تقسیم نمود (نوربها، ۱۳۸۶ش، ۳۵۴ و ۳۵۵). هدف از مجازات تنبه مجرم و دیگران از ارتکاب جرم است (کاتوزیان، ۱۳۸۶ش، ۱۱). بدون تردید یکی از راه های منطقی و صحیح در برخورد با جرم، پیشگیری از آن است (اردبیلی، ۱۳۸۰ش، ص ۳۶).

۲-۱-۲- اهداف مجازات در حکومت اسلامی

اهداف مجازات در اسلام را می توان تامین عدالت، بازدارندگی، اصلاح و تربیت، حفظ نظام اجتماعی، مسولیت پذیری کنترل آزادی ها برشمرد.

۱- **تامین عدالت** در نظام اسلامی عدالت به عنوان پایه و اساس می باشد و لذا قوانین و مقررات به طور کلی و قوانین کیفری به طور خاص در صدد برقراری دوباره عدالت تشریح شده اند. الف- انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق. (سوره ص) ای داوود ما تو را خلیفه خود در زمین قرار دادیم پس در میان مردم به حق داوری کن. ب- و من اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم. (بقره) ج- جزاء سیئه سیئه مثلها. (شوری) پاسخ به بد رفتاری را شاید بتوان به این شیوه ها انجام داد.

۲- **بازدارندگی:** وقتی عوامل درونی و اخلاقی نتواند موجب جلوگیری از ارتکاب مجرم به بزه شود قهرا راههای دیگری که از عوامل بیرونی نشات می گیرد مد نظر قانونگذار قرار می گیرد که بوسیله آن بتواند موجبات تحقق جرم و بزه را از بین ببرد و به این دلیل مجازات های قصاص و تشهیر برای عبرت دیگران و مجازات حد و تعزیر برای عبرت و تنبیه خود فرد مورد توجه قرار گرفته است.

۳- **اصلاح و تربیت:** جرائم زیادی هستند که امکان بازسازی اخلاقی و اجتماعی مجرم در آنها وجود دارد و با یک برنامه تربیتی و اصلاحی شاید بتوان دوباره آنها را به آغوش جامعه دعوت کرد. از مهم ترین برنامه های اخلاقی و تربیتی می توان به توبه اشاره کرد یعنی با تشویق آنها به توبه و بازگشت به سوی ارزش های دینی و امیدوار کردن آنها به اینکه جرائم و گناهان آنان مورد عفو الهی قرار می گیرد، بستری را فراهم خواهد ساخت تا نسبت به ترمیم روحیه خود و مآلا دست کشیدن از تکرار جرم مبادرت نمایند.

۴- **حفظ نظام اجتماعی:** حیات اجتماعی سالم مرهون وجود امنیت و آسایش عمومی و رعایت حقوق و تکالیف متقابل است و آسایش عمومی نیز در گرو حفظ اصول و ارکان یک حیات اجتماعی است.

شهید مطهری می گوید: قوانین جزایی برای تربیت مجرمین و برقراری نظم در جوامع ضروری و لازم است و هیچ چیز دیگری نمی تواند جایگزین آن شود اینکه برخی می گویند به جای مجازات مجرم را باید تربیت کرد و به جای زندان باید دارالتادیب ساخت مغلطه است، تربیت و ایجاد دارالتادیب بی تردید لازم و ضروری است و تربیت صحیح، مسلم است که از میزان جرائم می کاهد ولی هیچیک از اینها جای دیگری را نمی گیرد نه تربیت و نظامات عادلانه جانشین کیفر و مجازات می شود و نه کیفر و مجازات جانشین تربیت صحیح و نظام اجتماعی سالم. هر اندازه تربیت درست و نظام اجتماعی عادلانه و سالم باشد باز افراد یاغی و سرکش پیدا می شوند که تنها راه جلوگیری از آنها کیفر و مجازات است که احیانا سخت و شدید باشد. از طریق تقویت ایمان و ایجاد تربیت صحیح و اصلاح جامعه و از بین بردن علل وقوع جرم می توان از تعداد جرم ها و جنایت ها تا حدود زیادی کاست و باید هم از این راه ها استفاده کرد ولی نمی توان انکار کرد که مجازات هم در جای خود لازم است و هیچیک از امور دیگر اثر آن را ندارد. بشر هنوز موفق نشده است و شاید هم هیچ وقت موفق نشود که از طریق اندرزگویی و ارشاد و سایر وسائل آموزشی و پرورشی بتواند همه مردم را تربیت کند و امیدی هم نیست که تمدن و زندگی مادی کنونی بتواند وضعی را بوجود آورد که هرگز جرمی واقع نشود. تمدن امروز نه تنها جرم ها را کم نکرده است بلکه به مراتب آنها را بیشتر و بزرگتر کرده است (شهید مطهری ۱۳۷۰ش، ۲۲۶: ۱).

۵- سزادهی: همان طور که در برابر اطاعت و انقیاد پاداش وجود دارد و این یک سنت الهی است در برابر هر نافرمانی و تجری نیز کیفر و عقاب قرار داده شده است که این نیز از جمله سنت های الهی محسوب می گردد و آیات متعددی به این مهم اشاره دارد مثل "ان ربک لذو مغفره و ذو عذاب الیم" (۴۳، فصلت)، "و اعلموا ان الله شدید العقاب و ان الله غفور رحیم" (۹۸، مائده)

۶- مسئولیت پذیری- اگرچه این عنوان تحت مبانی مجازات قرار دارد ولی به نوعی می توان از اهداف مجازات از آن یاد کرد زیرا اگر این خصوصیت را در اهداف مجازات لحاظ کنیم بر این باور قرار می گیریم که شاید انسان مجازات را وسیله برای احساس مسئولیت قرار داده و او را از کجروی منع و به سوی کمال حقیقی سوق دهد.

۷- کنترل آزادی- اگر چه برای انسان، آزادی تکوینی وجود دارد ولی آزادی تشریحی او به اندازه آزادی تکوینی نمی باشد زیرا در بحث مجازات دائما با الزامات و بایدها و نبایدها روبرو هست لذا آزادی تشریحی او بسیار محدود می گردد زیرا آزادی بدون قید موجب ورود خدشه به مصلحت های فردی او شده و در بعد اجتماعی نیز نظم و انضباط اجتماعی را مختل و مخدوش می سازد.

۲-۲- مجازات در فقه امامیه

۱-۲-۲- جرم انگاری شهادت زور

اصل در شریعت اسلام این است که مسئولیت کیفری تنها در مورد عملی مترتب می شود که شخص آن را از روی عمد انجام می دهد که شارع آن را حرام نموده است و دلیل آن نص آیه ۵ احزاب است "و لیس علیکم جناح فیما اخطاتم به و لکن ما تعمدت قلوبکم" است (محمدی، ۱۳۹۵ش، ص ۱۲۹). ولی از آنجا که شهادت زور جرم مطلق می باشد چه عمدا و چه سهوا، مستوجب مجازات تلقی شده است.

قرآن: ۱- والذین لا یشهدون الزور و اذا مروا باللغو مروا کراما (۷۲، فرقان) و کسانی که شهادت به ناحق ندهند و چون با ناپسندی برخورد کنند با بزرگواری بگذرند. ۲- و اجتنبوا قول الزور (۳۰، حج) و از قول ناحق دوری گزینید.

سنت: ۱- حدیث نبوی: ایها الناس عدلت شهادة الزور بالشرك بالله ثم قرا فاجتنبوا الرجس من الاوثان و اجتنبوا قول الزور. رسول اکرم (ص): ای مردم شهادت به باطل هم ردیف شرک به خداوند است، سپس آیه ۳۰ سوره حج را تلاوت کردند: بپرهیزید از بت ها و از سخن ناروا و ناحق، دوری کنید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۴، ص ۹۲)

۲- امام صادق (ع): شاهد الزور لا تزول قدماه حتی تجب له النار. (کلینی ۱۴۱۱ق، ۷، ۳۸۳) شاهد زور قدم بر نمی دارد مگر اینکه آتش جهنم برایش واجب می گردد.

به طور کلی مجازات شهادت زور را در فقه می توان به مجازات اختصاصی و عمومی تقسیم کرد. الف- مجازات اختصاصی: اگر شهادت زور موجب ایجاد خسارت شود باید از سوی شهود جبران گردد. در خسارت مالی جبران خسارت به دو شیوه برگرداندن وضع او به صورت پیشین یا جبران خسارت از راه دادن معادل است (کاتوزیان، ۱۳۸۶ش، ص ۳۵۶). و در خسارت جانی و بدنی باید قصاص شده یا در صورت مصالحه، دیه پرداخت نمایند، ب- مجازات عمومی: که شامل تشهیر و تعزیر مجرم است.

۲-۲-۲- مجازات شهادت زور

در فقه مجازات به حدود، قصاص، تعزیرات و دیات تقسیم شده است. یک- حدود: ۱- **حد تازیانه**: اگر شهادت کذب منجر به اجرای حد تازیانه برای مشهود علیه شود، به مشهود علیه متناسب با صدمات وارده، دیه یا ارش از طرف شهود یا قاضی یا بیت المال تعلق می گیرد و از آنجا که مماثلت در حد راه ندارد، قصاص در این خصوص جاری نمی شود مانند حد سرقت بدون قطع دست و حد نوشیدن مسکر، در این موارد حد تازیانه برای شهود زور جاری نمی شود ۲- **حد قذف**: اگر شهادت شهود در زنا و لواط و سحوق و تفخیز به هر دلیل به اثبات نرسد، همگی قاذف محسوب شده و به مجازات حد قذف محکوم می شوند. اگر مشهود به، زنا باشد و شهود اعتراف کنند که دروغ گفته اند، حد قذف به آن ها زده می شود. (امام خمینی ۱۳۸۴ش، ۱۶۸: ۴). اگر شهادت زور در خود قذف باشد بدین معنا که شهود شهادت دروغ دهند که فلانی به دیگری نسبت زنا داده است و مشهود علیه، تازیانه بخورد (غیرمحصن) و بعدا شهادت زور اثبات شود، مشهود علیه حق دریافت دیه یا ارش را دارد. **اجرای حد منجر به مرگ**: اگر در اثر اجرای حد تازیانه، که ناشی از شهادت زور بوده، مشهود علیه، تصادفا فوت کند، به شهود فقط پرداخت دیه او تعلق می گیرد و قتل او شبه عمد محسوب می گردد زیرا شهود زور در این حالت فقط قصد سبب را داشته اند یعنی شهادت زور، نه قصد نتیجه یعنی مرگ او را و از آنجا که نوعا و غالبا زدن تازیانه به انسان سالم، منجر به مرگ او نمی شود، لذا مرگ، اتفاقی تلقی می گردد. ۳- **حد قتل و رجم**: اگر کسی دیگری را به غیر قصاص بکشد حد او قتل است و چنانچه شهخادت زور منجر به کشته شدن فرد گردد حد شهود زور قتل می باشد و اگر کسی با زنی از محرم های خود زنا کند حد او کشتن است خواه محصن باشد یا نباشد خواه مسلمان باشد یا کافر (محقق حلی ۱۴۰۸ق، ۳۴۶؛ امام خمینی ۱۳۸۴ش، ۱۸۶: ۴). اگر شهود در این نوع زنا، تزویرشان ثابت شود، محکوم به قتل می شوند. حد **لواط** نیز کشتن است چه توسط شمشیر، یا پرتاب از بلندی، یا آتش زدن او، یا رجم (امام خمینی، ۱۳۸۴ش، ۱۹۸: ۴). شهود زور پس از اثبات تزویرشان در شهادت منجر به مرگ، با درخواست ولی مقتول کشته می شوند. **حد رجم** برای زناکار در صورت محصن بودن هر کدام از دو طرف زنا است. شهود زور در این مورد به درخواست ولی مقتول کشته می شوند و اگر مصالحه کنند، ولی مقتول دیه می گیرد. **حد مرکب** یعنی هم تازیانه و هم رجم برای زناکار محصن و مسن که اول تازیانه می خورند و سپس سنگسار می شوند (امام خمینی ۱۳۸۴ش، ۱۸۸: ۴).

دو- قصاص: ۱- قصاص نفس: هرگاه جنایت منجر به قتل عمدی شود مجازات آن قصاص است و اگر چنانچه شهادت زور موجب اعدام و کشته شدن فردی شود، شهود زور به درخواست ولی مقتول به قصاص نفس محکوم می شوند.

اگر ولی مقتول، به تزویر شهود عالم نباشد یعنی نداند که شهود، شهادت دروغ داده اند و با آنها تیبانی نکرده باشد در صورتی که شهادت زور، موجب قتل شود با درخواست ولی مقتول، شهود زور قصاص می شوند. شهود، در واقع با تزویر خود سبب برای قتل هستند اما چون در این مقام سبب اقوی از مباشر است با آنها معامله مباشر می شود و آنها باید قصاص شوند. اگر ولی مقتول به تزویر شهود عالم باشد و ولی مقتول با شهود در مورد اینکه شهادت دروغ بدهند، تیبانی کرده باشد تا مشهود علیه قصاص شود در این صورت یا همه

شهود زور و ولیّ با هم قصاص می شوند زیرا تبانی کرده اند یا فقط ولیّ مقتول قصاص می شود زیرا شهود ممسک قاتل بوده اند. ۲-
قصاص عضو: سرقت از جراثمی است که مجازات مرکب و جمع دارد یعنی هم دارای جنبه مدنی و هم کیفری است یعنی سارق هم باید مال را برگرداند و هم دستش قطع می شود. اگر شهادت کذب موجب قطع دست مشهود علیه یعنی سارق گردد بعد از معلوم شدن تزویر شهود، او نیز علاوه بر تحمل غرامت مال سرقت شده، چنانچه مال از مشهود علیه اخذ شده باشد، به حد قطع دست مجازات می شود.

سه- دیه در شهادت زور: یک- اگر فردی که برایش حکم حد صادر شده است در اثر اجرای حد، فوت کند، قتل شبه عمد محسوب می شود و شاهد زور باید دیه او را پرداخت کند. دو- اگر شهود زور متعدد باشند و به حد، محکوم شوند در صورتی که برای همه آنها حد اجرا گردد: اگر محکوم، به حد تازیانه یا حد قطع دست شده باشند، دیه مازاد برعهده مشهود علیه است و اگر محکوم، به قصاص نفس شده باشند دیه برعهده ولیّ مقتول است سه- اگر شهود زور به شهادت کذب خود اعتراف کنند، اما بگویند نمی دانسته اند که این شهادت موجب حد یا قصاص مشهود علیه می شود، شبهه ایجاد می شود و قاعده "تدرء الحدود بالشبهات" جاری می گردد و شهود زور باید دیه مقتول در قصاص نفس یا قصاص قطع عضو را پرداخت نمایند. چهار- اگر ولیّ مقتول بخواهد شهودی که تزویرشان اثبات شده است را قصاص کند، باید مازاد دیه آنها را پرداخت نماید و برعکس اگر ولیّ مقتول، شهود زور را عفو کند، شهود، اگر دو نفر مرد باشند باید دیه مقتول را به تساوی پرداخت نمایند. پنج- در جایی که با شهادت زور، حد تازیانه برای مشهود علیه ثابت و اجرا شده است، پس از اثبات تزویر شهود، آنها به پرداخت دیه مجازات می شوند زیرا حد تازیانه، مماثل ندارد.

چهار- تعزیر: شارع با اخلال کنندگان به نظام زندگی اجتماعی از طریق کیفر و مجازات به عنوان یکی از راهکارها توجه نموده و برای فرد خاطی و بزهکار مجازات دنیایی تعیین نموده است و مجازات ها را دسته بندی و برای هر یک به شکلی خاص عمل می نماید از این رو اگر برای مجازات مقدار معینی تعیین کرده باشد آن را حدود گویند ولی اگر مقدار مجازات را به عهده حاکم گذاشته باشد تا میزان بازدارندگی را او تشخیص دهد به گونه ای که مقدارش از حد کمتر باشد آن را تعزیر گویند..

حکم تعزیر شاهد زور از نظر فقهای امامیه: وجوب: اکثریت فقیهان امامیه بر تعزیر شاهد زور متفق القول هستند (شیخ مفید ۱۴۱۰ق، ۷۹۵؛ شیخ طوسی، بی تا، ۲۷۶: ۸؛ شهید اول ۱۴۱۲ق، ۱۷۰: ۲؛ نجفی ۱۴۰۸ق، ۲۵۲: ۴۱؛ طباطبایی حائری ۱۴۱۲ق، ۴۳۱: ۱۵؛ فاضل هندی ۱۴۱۶ق، ۴۰۲: ۱۰؛ علامه حلی ۱۳۶۷ش، ۷۲۴؛ حائری طباطبایی ۱۴۰۹ق، ۳۲۸؛ امام خمینی ۱۳۸۴ش، ۱۷۰: ۴؛ خویی، بی تا، ۵۰۲). **استحباب:** ابن ادریس در خصوص تعزیر و تشهیر قائل به استحباب است بر خلاف شیخ مفید که در تشهیر قائل به استحباب ولی در تعزیر به وجوب اعتقاد دارد. (ابن ادریس ۱۴۱۰ق، ۱۵۰: ۲).

پنج- مجازات تشهیر: یکی از مهم ترین اقدامات پیشگیرانه و بازدارنده از شهادت زور در حوزه اقدامات پیسنی و واکنشی، مجازات تشهیر می باشد که از اختصاصات فقه امامیه به شمار رفته و به عنوان عاملی اساسی برای احتراز از شهادت زور دارای جایگاه والایی است. این مجازات هم اثر تربیتی برای خود مجرم داشته و علاوه بر جلوگیری از تکرار جرم از سوی مرتکب آن، موجبات عبرت دیگران را نیز فراهم می سازد تا از ارتکاب به آن بپرهیزند.

معنی لغوی: مصدر باب تفعیل از ریشه شَهَرَ می باشد و لغت دانان معانی متعددی را برایش ذکر کرده اند: آشکار شدن عمل آورده است (ابن منظور ۱۴۱۴ق، ۴۳۲: ۴). "شَهَرَ فلان فی الناس بكذا" یعنی فلانی میان مردم به فلان چیز مشهور شد (ابن فارس ۱۳۹۹ق، ۲۲۲: ۳). ظاهر کردن و نمایاندن شیء به نحو قبیح و زشت در میان مردم و به منظور آگاه شدن آنان است (فراهیدی ۱۴۲۵ق، ۴۰۰: ۳). شهره یعنی وضوح امری و روشن سازی چیزی (جوهری ۱۴۰۷ق، ۷۰۵: ۲). شهر فلان یعنی مشهور شدن فلانی به خیر یا شر (راغب اصفهانی ۱۳۶۲ش، ۴۶۸). به معنای گسترش و رواج دادن بدی و زشتی عمل کسی بین مردم است (قلعجی ۱۴۰۵ق، ۱۳۰). افشا کردن

و رسوا کردن بین مردم، آورده است (فیومی، ۱۴۰۵، ق، ۳۲۵: ۱). ذکر کردن و شناساندن ذکر کرده است (معلوف ۱۳۸۵، ش، ۴۰۶). **معنی اصطلاحی:** برحسب آنچه بدان اضافه می شود، مفهوم خاصی پیدا می کند (شاهرودی ۱۴۲۶، ق، ۵۰۷: ۱). تشهیر اعلان مجازات مجرم و ندا دادن به گناه او در برابر مردم است، بالاخص در جرائمی که به عنوان امین مردم به مجرم اعتماد می شود، تا او را بشناسند و از او دوری نمایند (عوده ۱۴۱۳، ق، ۷۰۴: ۱).

الف- مبانی تشهیر در فقه امامیه

روایات: یک- روایت سماعه بن مهران: محمد بن علی بن الحسین از سماعه، از امام صادق (ع) نقل کرده است که ایشان فرمودند: "شهود الزور یجلدون جلدا و لیس له وقت و یطاف بهم حتی یعرفوا و لا یعودوا. قال: قلت: فان تابوا و اصلحوا تقبل شهادتهم بعد؟ قال: اذا تابوا تاب الله علیهم، و قبلت شهادتهم بعد" (حرعاملی ۱۴۳۲، ق، ۳۳۳: ۲۷، ح ۶۸). شاهدان زور باید تازیانه زده شوند که وقت خاصی برای آن نیست و باید در شهر گردانده شوند تا اینکه او را بشناسند و دوباره مرتکب آن نشوند. از حضرت سوال کردم: اگر توبه کنند و اصلاح شوند آیا بعد از آن شهادتشان پذیرفته می شود؟ فرمودند: اگر در برابر خداوند توبه کنند، شهادتشان قبول می شود.

دو- روایت عبد الله بن سنان: علی بن مطهر از عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) نقل می کند که ایشان فرمودند: "ان شهود الزور یجلدون جلدا، لیس له وقت، ذلك الی الامام، و یطاف بهم حتی یعرفهم الناس و تلاوته قوله تعالی: "و لا تقبلوا لهم شهاده ابدًا و اولئک هم الفاسقون... الا الذین تابوا" قلت: بم تعرف توبته؟ قال: یکذب نفسه علی رؤس الاشهاد، حیث یضرب و یتستغفر ربه عز و جل، فاذا هو فعل ذلك، فثم ظهرت توبته" (حرعاملی ۱۴۳۲، ق، ۳۳۴: ۶۹). امام صادق (ع) فرمودند: شاهدان زور باید تازیانه زده شوند که وقت خاصی هم ندارد و این امر بر عهده امام است و باید در شهر گردانده شوند تا مردم آنها را بشناسند و آیه ۴ و ۵ سوره نور را تلاوت کردند. به ایشان عرض کردم: چگونه توبه آنها مشخص می شود؟ فرمودند: باید در محلی که زده می شوند، خودشان را در برابر مردم تکذیب کنند و نزد پروردگارشان استغفار کنند و هر وقت این را انجام دادند، توبه شان قبول می شود.

سه- روایت غیاث بن ابراهیم: احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن یحیی، از غیاث بن ابراهیم از امام جعفر صادق (ع) آورده است که ایشان از پدرش نقل کرده: "ان علیا (ع) کان اخذ شاهد زور، فان کان غریبا، بعث به الی حیه، و ان کان سوقیا، بعث به الی سوقه، فطیف به، ثم یحبسه ایاما، ثم یخلى سبيله" (حرعاملی ۱۴۳۲، ق، ۳۳۴: ۸۷). هرگاه علی (ع) شاهد زور را دستگیر می کرد، اگر غریب بود، او را به محله و شهر خودش می فرستاد، و اگر بازاری بود او را به بازار محل کسب و کارش می فرستاد و گردانده می شد و چندین روز او را زندانی می کرد و سپس آزادش می کرد. شیخ صدوق این حدیث را با همین مضمون ولی با سند مرسل در کتاب من لا یحضر الفقیه آورده است (شیخ صدوق ۱۴۱۳، ق، ۵۹: ۳). فقیهان معنای «طیف به» را در این روایت حمل بر تشهیر کرده اند.

ب- حکم تشهیر شاهد زور

عده کثیری از فقیهان، تشهیر شاهد زور را واجب شمرده تا مردم به او اعتماد نکرده و از او حذر کنند. (شیخ طوسی ۱۴۱۷، ق، ۲۴۰: ۶؛ شهید اول ۱۴۱۲، ق، ۱۷۰: ۲؛ طباطبایی حائری ۱۴۱۲، ق، ۴۳۱: ۱۵؛ فاضل هندی ۱۴۱۶، ق، ۴۰۲: ۱۰؛ علامه حلی، ۱۳۶۷، ص ۷۲۴؛ حائری طباطبایی ۱۴۰۹، ق، ۳۲۸: ۱۷۰؛ امام خمینی ۱۳۸۴، ش، ۴: ۱۷۰؛ خویی ۱۳۹۰، ش، ۴۱۹ و ۴۱۰: ۴۱). تعداد اندکی علیرغم اقامه تعزیر، برجواز و سزاوار بودن تشهیر حکم کرده اند (شیخ مفید ۱۴۱۰، ق، ۷۹۵) (ابن ادریس ۱۴۱۰، ق، ۵۲۹: ۳).

۳-۲- مجازات در حقوق ایران

در حقوق ایران نیز به تاسی از فقه امامیه مجازاتهای مختلف اصلی و تکمیلی و تبعی در قالب حدود، قصاص، دیات و تعزیرات برای مجرمین در نظر گرفته شده است (بخش دوم از کتاب اول و کتاب های دوم تا پنجم قانون مجازات اسلامی ایران)

۱-۳-۲- مجازات شهادت زور در حقوق ایران

مجازات اصلی - در حقوق ایران جرم شهادت زور جرمی تعزیری محسوب می شود و مجازات آن طبق صریح ماده ۶۵۰ ق.م.ا عبارتست از جزای نقدی و حبس و طبق تبصره ماده مذکور شامل حد، قصاص یا دیه متناسب با نتیجه حاصل از ارتکاب شهادت زور می باشد. ماده ۶۵۰ ق.م.ا: هرکس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. تبصره- مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است. مهم ترین جرم انگاری در حقوق کیفری ایران در زمینه مسئولیت کیفری شاهد مربوط به ادای شهادت کذب می باشد که در حال حاضر موضوع ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی است (ابوالحسنی و آسیابان طاهری، ۱۳۹۲ش، ۱۲۶). جرائم دیگری که در راستای بررسی مسئولیت کیفری شاهد می توان نام برد موضوع مواد ۱۸۲ و ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی در رابطه با جرم زنا و لواط است، در این جرائم شاهد اگر چه لزوما شهادت کذب را مرتکب نشده اما به دلیل قذف موجب مجازات می باشد یعنی وقتی در زنا یا لواط اظهاراتی متفاوت و مختلف نسبت به یک جرم از سوی شهود ابراز گردد یا شهادت نصاب لازم را پیدا نکند شهود به حد قذف محکوم می شوند. از جبران خسارت، تعزیر توسط زندان یا جزای نقدی و اجرای حد (قذف یا قصاص) و پرداخت دیه می توان به عنوان سایر مجازات های شهادت زور در حقوق ایران نام برد.

مجازات تکمیلی - طبق ماده ۲۳ ق.م.ا. دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات های تکمیلی زیر محکوم نماید: الف- اقامت اجباری در محل معین ب- منع از اقامت در محل یا محل های معین پ- منع از اشتغال به شغل حرفه یا کار معین، ت- انفصال از خدمات دولتی و عمومی ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری، ج- منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي چ- منع از حمل سلاح ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور خ- اخراج بیگانگان از کشور د- الزام به خدمات عمومی ذ- منع از عضویت در احزاب، گروه ها و دستجات سیاسی یا اجتماع ر- توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا موسسه دخیل در ارتکاب جرم ز- الزام به یادگیری حرفه شغل یا کار معین ژ- الزام به تحصیل س- انتشار حکم محکومیت قطعی.

مجازات تبعی - طبق ماده ۲۵ ق.م.ا. مجازات های تبعی محکوم، عبارتست از محرومیت هفت، سه یا دو ساله از حقوق اجتماعی که طبق ماده ۲۵ ق.م.ا. نمونه هایی از آنها عبارتند از محرومیت از عضویت در شوراهای شهر و روستا، انتخاب شدن یا عضویت در انجمن ها، شوراهای احزاب و جمعیت ها به موجب قانون یا برای مردم، عضویت در هیات های منصفه و امنا و شوراهای حل اختلاف، استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه های حکومتی اعم از قوای سه گانه و سازمان ها و شرکت های وابسته به آنها، قییم و امین و متولی و ناظر و متولی موقوفات و داور.

علیرغم وجود مجازات های سه گانه یاد شده در حقوق ایران باید گفت برای مجازات شهادت زور همانند قوانین مصر، مواد متعدد و جداگانه وضع نگردیده و در قالب مجازات های تکمیلی و تبعی نیز صراحتاً به شهادت زور اشاره نشده است. برخلاف قوانین دیگر کشورهای اسلامی (از جمله مصر) قانون ایران توجه ویژه ای به این نوع بزه مخرب و متعارض با عدالت قضایی و کیفر ویژه مترتب بر آن یعنی تشهیر ننموده است (مرتاضی، موسوی رکنی، ساریخانی، ملک افصلی، ۱۳۹۳ش، ۱۲۱).

۴-۲- مجازات در حقوق مصر

بر اساس مفاد مواد ۲۹۴ تا ۳۰۱ قانون عقوبات مصر، ارتکاب شهادت زور موجب می شود که شاهد زور مشمول یکی از انواع جرم قرار گیرد و برحسب نوع جرم، مجازات لازم در قانون برای او منظور می شود لذا لازم است ابتدا به انواع جرائم در حقوق مصر پرداخته شود تا در قبال آن نوع مجازات وی نیز تعیین گردد. برای این هدف ابتدا انواع جرائم را مورد شناسایی قرار داده تا به دنبال آن به انواع مجازات ها دسترسی حاصل شود. طبق قانون عقوبات مصر جرائم به سه دسته **جنايات، جنحه و خلاف** به شرح ذیل تقسیم می گردند:

۱-۴-۲- انواع جرم و مجازات

طبق ماده ۹ قانون عقوبات مصر - جرائم به سه نوع است: اول- جنایات دوم- جنحه ها سوم- امور خلاف.

طبق ماده ۱۰ قانون عقوبات مصر - جنایات جرائمی هستند که مرتکب به مجازات های مقرر در زیر به آنها محکوم می شود. اعدام، زندان ابد، زندان مشدد، زندان. **طبق ماده ۱۱ قانون عقوبات مصر** - جرائم جنحه جرائمی هستند که مرتکب به مجازات های مقرر در زیر به آنها محکوم می شود. حبس، جزای نقدی که حداکثر آن بیشتر از صد جَنیه نباشد. **طبق ماده ۱۲ قانون عقوبات مصر** - امر خلافی جرائمی هستند که مجازات مقرر برای آنها بیشتر از صد جَنیه نمی باشد.

۲-۴-۲- انواع مجازات در حقوق مصر

یک- اعدام، زندان ابد، زندان مشدد و زندان و محرومیت از حقوق و مزایای مختلف برای جرائم جنایی. طبق ماده ۱۳ قانون عقوبات مصر - هر کس به اعدام محکوم شود به دار آویخته می شود. و بر اساس ماده ۱۴ قانون عقوبات مصر - **زندان ابد و زندان مشدد** عبارت از زندانی کردن محکوم علیه در یکی از زندانهایی که قانون تعیین کرده است و به کار واداشتن محکوم علیه به کارهای معینی که دادگاه تعیین می کند. اگر مجازات حبس ابد باشد، برای تمام دوران و اگر مشدد باشد، تا زمان حکم است. مدت زمان حبس مشدد از سه سال کمتر و از پانزده سال بیشتر نمی باشد مگر در موارد خاصی که در قانون پیش بینی شده باشد. **ماده ۲۳۰ قانون عقوبات:** هر کس عمدا و با سبق تصمیم یا تمهید مقدمات مرتکب قتل نفس بشود به اعدام محکوم می شود. **ماده ۳۸۱ قانون الاجرائات الجنایی:** دادگاه جنایی فقط با نظر اجماع آراء همه اعضاء می تواند حکم اعدام صادر کند و واجب است قبل از صدور حکم اعدام، نظر مفتی جمهوری مصر را اخذ کند و واجب است مدارک قضیه را به او ارسال نماید و اگر وی تا ده روز جواب نداد وزیر دادگستری در این کار جانشین او می شود.

دو- حبس و جزای نقدی که حداکثر آن بیش از صد جَنیه نباشد، برای **جرائم جنحه**. وفق ماده ۱۶ قانون عقوبات مصر - مجازات زندان عبارت است از حبس محکوم علیه در یکی از زندان های عمومی و به کار واداشتن او در داخل یا خارج از زندان به اعمالی که در حکم دادگاه برای او تعیین شده است. این مدت نباید کمتر از سه سال و بیشتر از پانزده سال باشد مگر در شرایط خاصی که در قانون مقرر شده باشد. و طبق ماده ۱۸ قانون عقوبات مصر - مجازات حبس عبارت است از محبوس کردن محکوم علیه در یکی از زندان های مرکزی یا زندان های عمومی به میزان محکومیت وی و نباید مدت آن کمتر از بیست و چهار ساعت و بیشتر از سه سال باشد مگر در شرایط خاص که در قانون مقرر شده است. و ماده ۱۹ قانون عقوبات مصر - مجازات حبس را بر دو نوع تقسیم می کند: حبس بسیط، حبس با کار. محکوم علیه به حبس با کار که در حکم دادگاه معین شده ممکن است در خارج از زندان به کار گرفته شود.

سه- جزای نقدی که بیش از صد جَنیه نباشد برای **امور خلاف**. ماده ۲۲ قانون عقوبات مصر مقرر می دارد: مجازات جزای نقدی عبارت است از الزام محکوم علیه به پرداخت مبلغ مقرر در حکم به خزانه دولت مقدار جزای نقدی نباید کمتر از صد قروش و در جرائم

جنگه ای نباید بیشتر از پانصد جَنیه باشد و طبق ماده ۲۳ قانون عقوبات مصر: اگر کسی بازداشت موقت شود و حکم صادره او جزای نقدی باشد هر روز حبس او پنج جَنیه محاسبه و از جزای نقدی او کسر می گردد.

مجازات حبس و جزای نقدی قاذف- ماده ۳۰۲ قانون عقوبات مصر: هرکس نسبت به دیگری به وسیله یکی از طرق مذکور در ماده ۱۷۱ این قانون اموری را که در قانون دارای مجازات است و موجب مجازات آن فرد می شود نسبت دهد یا اموری را اسناد کند که سبب تحقیر او در نزد مردم گردد اگر چه امر اسنادی حقیقت باشد، قاذف محسوب می شود. **ماده ۳۰۳ قانون عقوبات مصر:** مجازات جرم ارتکاب قذف، حبس است که نباید بیشتر از یک سال باشد و جزای نقدی است که نباید کمتر از دو هزار و پانصد جَنیه و بیشتر از هفت هزار و پانصد جَنیه باشد یا یکی از این دو مجازات خواهد بود. **ماده ۳۰۸ قانون عقوبات مصر:** چنانچه اهانت یا قذف یا دشنام یا نسبت دادن عیوب به کسی که به یکی از طرق و موارد مذکور در ماده ۱۷۱ این قانون ارتکاب یافته است، متضمن و باعث بی آبرویی افراد گردد یا حرمت خانوادگی دیگران را خدشه دار کند، مجازات آن در حدود مقررات مذکور در مواد ... این قانون حبس و جزای نقدی می باشد.

۳-۴-۲- مجازات شهادت زور در حقوق مصر

انواع مجازات شاهد زور عبارتست از جبران خسارت، جزای نقدی، زندان معمولی، زندان مشدد و اعدام.

اعدام و حبس مشدد- طبق ماده ۲۹۵ قانون عقوبات مصر: اگر شهادت دروغ به گونه ای بر حکم دادگاه تاثیر گذارد که موجب ضرر متهم شود، کسی که اقدام به دادن شهادت دروغ به ضرر متهم کرده است به زندان مشدد یا زندان محکوم می شود، اگر شهادت دروغ موجب صدور حکم اعدام متهم شود و حکم اعدام اجرا گردد، کسی که اقدام به دادن شهادت دروغ کرده است، محکوم به اعدام می شود. و طبق ماده ۲۳۰ قانون عقوبات: هر کس عمدا و با سبق تصمیم یا تمهید مقدمات مرتکب قتل نفس بشود به اعدام محکوم می شود.

حبس- طبق ماده ۲۹۴ ق.ع.م. هرکس در **امور جنایی** به نفع یا ضرر متهم شهادت دروغ بدهد به مجازات حبس محکوم می شود. و طبق ماده ۲۹۶ هرکس در **امور جنگه یا امور خلاف** به ضرر متهم شهادت دروغ بدهد یا به نفع او اقدام به شهادت کذب کند به حبس که بیشتر از دو سال نباشد، محکوم می گردد. طبق ماده ۲۹۷ هرکس در **دعوی مدنی** شهادت دروغ دهد به مجازات حبس که بیشتر از دو سال نباشد محکوم می شود.

حبس ابد و جزای نقدی- مجازات شاهد زور مرتشی می باشد. ماده ۲۹۸ اگر شاهد در ازای شهادت دروغ در امور جنایی یا مدنی وجه یا مالی گرفته یا هدیه ای دریافت یا وعده ای را قبول کرده باشد، شاهد و پرداخت کننده وجه و وعده دهنده به مجازات رشوه یا به مجازات شهادت زور اگر اشد از مجازات رشوه باشد، محکوم می گردد. مجازات رشوه طبق موضوع ماده ۱۰۳ قانون عقوبات مصر زندان ابد و جزای نقدی می باشد. ماده ۱۰۳: هر کارمند دولت که برای خود یا برای دیگری جهت انجام وظیفه ای که به عهده دارد چیزی را قبول یا اخذ کند یا وعده یا هدیه ای را قبول نماید مرتشی محسوب می شود. مجازات مرتکب زندان ابد و جزای نقدی که از هزار جَنیه کمتر و بیشتر از آنچه اخذ یا مورد وعده قرار گرفته نباشد، خواهد بود.

حبس و جزای نقدی- مجازات شاهد زور قاذف می باشد: ماده ۳۰۲ قانون عقوبات مصر: هرکس نسبت به دیگری به وسیله یکی از طرق مذکور در ماده ۱۷۱ این قانون اموری را که در قانون دارای مجازات است و موجب مجازات آن فرد می شود نسبت دهد یا اموری را اسناد کند که سبب تحقیر او در نزد مردم گردد اگر چه امر اسنادی حقیقت باشد، قاذف محسوب می شود. ماده ۳۰۳ قانون عقوبات مصر: مجازات جرم ارتکاب قذف، حبس است که نباید بیشتر از یک سال باشد و جزای نقدی است که نباید کمتر از دو هزار و

پانصد جنبه و بیشتر از هفت هزار و پانصد جنبه باشد یا یکی از این دو مجازات خواهد بود. ماده ۳۰۸ قانون عقوبات مصر: چنانچه اهانت یا قذف یا دشنام یا نسبت دادن عیوب به کسی که به یکی از طرق و موارد مذکور در ماده ۱۷۱ این قانون ارتکاب یافته است، متضمن و باعث بی آبرویی افراد گردد یا حرمت خانوادگی دیگران را خدشه دار کند، مجازات آن در حدود مقررات مذکور در مواد ... این قانون حبس و جزای نقدی می باشد.

مجازات تبعی محرومیت: طبق بند سه ماده ۲۵ قانون عقوبات مصر هر کس به یک مجازات جنایی محکوم شود از : یک- انجام هر خدمت دولتی دو- استفاده از علائم و نشانه های رسمی و دولتی سه- **شهادت دادن** نزد محاکم در مدت مجازات چهار- اداره و سرپرستی اموال و املاک خود در مدت مجازات، محروم می شود، مگر در مواردی که دادگاه برای کسب دلیل او را احضار کند.



۳- نتیجه گیری و تطبیق نظامات سه گانه

الف- اشتراکات

۱- شهادت، بالاتفاق در فقه امامیه و حقوق ایران و مصر یکی از ادله اثبات دعوا می باشد و شهادت زور علاوه بر فقه در دو سیستم حقوقی ایران و مصر به عنوان جرم مطلق، جرم انگاری شده است.

۲- در فقه امامیه و حقوق ایران به اجرای مجازات های مختلف حدود، قصاص و دیات متناسب با نتیجه حاصله از جرم ارتكابی و در حقوق مصر، به مجازاتهای متناسب با هر یک از جرائم جنحه، خلاف و جنایت یعنی جزای نقدی، زندان، زندان مشدد و اعدام، می توان اشاره نمود.

۳- وجود مجازات های مختلف برای شاهد زور یعنی: جبران خسارت، حبس، جزای نقدی و زندان و اعدام متناسب با ایجاد جرم حاصل از شهادت زور، از اشتراکات سه سیستم حقوقی می باشد.

ب- افتراقات

۱- خلاء مجازات تشهیر را باید ضعف مشترک حقوق ایران و مصر نام برد.

۲- وجود تنها یک ماده قانونی (۶۵۰ ق.م.ا.) در حقوق ایران از نقاط ضعف آن تلقی می گردد.

۳- عدم وجود مواد قانونی در خصوص تهدید به مجازات و صرفاً وجود مجازات جزای نقدی یک میلیون تا دوازده میلیون ریال که با توجه به تورم، تناسب بین جرم و مجازات را مخدوش کرده می تواند ضعف دیگر حقوق ایران باشد لذا بهتر بود قانونگذار به منظور رعایت تناسب جرم و مجازات نسبت به تعیین نوع جرم و بزه و ذکر مجازات آن، همانند قانون عقوبات مصر در مواد ۲۹۴ تا ۳۰۰ اقدام می نمود زیرا با توجه به اختلاف سطح دانش و تجربه قضات در دادگاه ها، ممکن است احکامی غیر متناسب با نوع جرم حاصل از شهادت زور از سوی قضات غیر مجتهد یا کم تجربه صادر گردد.

۴- تهدید و ارباب در خصوص ارتكاب به جرم شهادت زور در پرتو وجود مواد متعدد مانند قانون عقوبات مصر (۲۹۴ تا ۳۰۰) و متناسب سازی جرم و مجازات در قالب تقسیم جرائم به جنایت، جنحه و خلاف، که مجازات های اختصاصی جزای نقدی، زندان و اعدام، متناسب با هر یک از اقسام سه گانه جرائم، از نقاط قوت حقوق مصر در پیشگیری کیفری از تحقق شهادت زور شمرده می شود.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن ادريس عجلي حلي، محمد. (۱۴۱۰ق). السرائر، قم، موسسه نشر اسلامي جامعه مدرسين.
- ۳- ابن فارس ابن فارس، احمد. (۱۳۹۹ق). مقاييس اللغه. قم: دار الفكر.
- ۴- ابن منظور، جمال الدين محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بيروت، دار صار، چاپ سوم.
- ۵- ابوالحسنی، سلامه؛ آسیابان طاهری، محمد حسن. (۱۳۹۲ش). بررسی مسئولیت کیفری شاهد، مجله مطالعات بین المللی پلیس، شماره ۱۵.
- ۶- اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۰ش). حقوق جزای عمومی. تهران، نشر میزان.
- ۷- جوهری، ابو نصر. (۱۴۰۷ق). صحاح اللغه. بيروت: دارالعلم للملایین.
- ۸- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۳۲ق). وسائل الشیعه، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۹- خمینی، سید روح اله. (۱۳۸۴ش). تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۰- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). الموسوعه (اجتهاد و تقلید)، قم، موسسه الخویی، ج ۱.
- ۱۱- دانش، تاج الزمان. (۱۳۹۳ش). مجرم کیست، جرم شناسی چیست، تهران، کیهان، چاپ هشتم.
- ۱۲- راغب اصفهانی راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۶۲ش). مفردات الفاظ قرآن. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- ۱۳- زراعت، عباس. (۱۳۹۷ش). شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات جنگل.
- ۱۴- شهید اول، محمد بن مکی. (بی تا). القواعد و القوائد. قم، مکتبه المفید.
- ۱۵- _____ . (۱۴۱۲ق). الدروس. قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۱۶- _____ . (۱۴۱۹ق). الذکری. قم، موسسه آل البيت. چاپ اول.
- ۱۷- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالک الافهام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه.
- ۱۸- _____ . (بی تا). الروضه البهیة (اللمعه دمشقیه)، بيروت، دارالعالم الاسلامی.
- ۱۹- شهید مطهری، مرتضی، (۱۳۷۰ش). مجموعه اثار، تهران: انتشارات صدرا.
- ۲۰- شیخ صدوق، علی بن بابویه. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: النشر الاسلامی.
- ۲۱- شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. (بی تا). المبسوط فی الفقه الامامیه، تهران، المرتضویه.
- ۲۲- _____ . (۱۴۰۷ق). الخلاف، قم، موسسه النشر الاسلامی.

- ۲۳- _____ (۱۴۱۷ق). *النهاییه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، قم، نشر اسلامی.
- ۲۴- شیخ مفید، محمد بن محمد نعمان. (۱۴۱۰ق). *المقنعه*، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۲۵- شیکر، دیوید. (۱۳۹۳ش). *مفهوم و ماهیت مجازات*، ترجمه آقای، حسین، تهران، انتشارات جنگل.
- ۲۶- طباطبایی حائری، سیدعلی. (۱۴۱۲ق). *ریاض المسائل*، قم، موسسه نشر اسلامی.
- ۲۷- عبدالملک، جندی. (۱۳۴۹ق). *الموسوعه الجنائیه*، بیروت، دارالاحیاء لتراث العربی.
- ۲۸- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۳ق). *قواعد الاحکام*، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۲۹- _____ (۱۴۱۳ق). *مختلف الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه*، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۳۰- عوده، عبدالقادر. (۱۴۱۳ق). *التشریع الجنایی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی*، بیروت، موسسه الرساله.
- ۳۱- فاضل مقداد شیخ صدوق، علی بن بابویه. (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: النشر الاسلامی.
- ۳۲- فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). *کشف اللثام و الابهام*، قم، موسسه نشر اسلامی.
- ۳۳- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۲۵ق). *کتاب العین*، قم، اسوه.
- ۳۴- فیومی، احمد بن حمد. (۱۴۰۵ق). *المصباح المنیر*، قم، دارالهجره.
- ۳۵- قلجی، محمد. (۱۴۰۵ق). *معجم لغه الفقهاء*، بیروت، دار النفائس و النشر، چاپ اول.
- ۳۶- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶ش). *الزامهای خارج از قرارداد*، تهران، دانشگاه تهران.
- ۳۷- _____ (۱۳۶۸ش). *حقوق جزای عمومی ایران*، تهران، دانشگاه تهران.
- ۳۸- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۱ق). *اصول الکافی*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- ۳۹- گرجی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵ش). *حدود تعزیرات و قصاص*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ دوم.
- ۴۰- گسن، ریمون، (۱۳۷۰) *جرم شناسی کاربردی*، ترجمه مهدی کی نیا، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ۴۱- محقق حلی، ابوالقاسم جعفر بن حسن. (۱۳۶۴ش). *الشرایع*، ترجمه ابوالقاسم یزدی، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- ۴۲- محمدی، حمید. (۱۳۹۵ش). *مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در حقوق کیفری ایران و مصر*، تهران، گنج دانش.
- ۴۳- مرتاضی، احمد؛ موسوی رکنی، علی اصغر؛ ساریخانی، عادل؛ ملک افضلی، محسن. (۱۳۹۳ش). *بررسی معنا شناختی شهادت زور و ضرورت معرفی عمومی، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی*، شماره ۳۵.
- ۴۴- مظلومان، رضا. (۱۳۵۶ش). *کلیات جرم شناسی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۴۵- معلوف، لوئیس. (۱۳۸۵ش). *فرهنگ جامع نوین*، تهران، کتابفروشی اسلام.
- ۴۶- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*. تهران، دارالکتب الاسلامیه. چاپ اول.

- ۴۷- نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۸ق). *جوهر الکلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۸- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۸ش). *پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی*، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۵
- ۴۹- نوربها، رضا. (۱۳۸۶ش). *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران، گنج دانش. چاپ بیستم.
- ۵۰- ولیدی، محمد صالح. (۱۳۸۸ش). *پیشگیری از جرم در آموزه های اسلامی*، مجله مطالعات پیشگیری از جرم، ش ۱۱.
- ۵۱- _____ . (۱۳۸۴ش). *حقوق جزای عمومی*، تهران، انتشارات سمت، چاپ نهم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی